

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
۰۱ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۸

ترجمه و تفسیر سوره البروج- ۲

وجه تسمیه این سوره:

این سوره به سبب افتتاح با سوگند خداوند جلّ جلاله به آسمان دارای برجها، «البروج» نامیده شد.

آشنائی با سوره بروج:

محتوای این سوره تقویت روحیه مؤمنان در برابر دشمنان و تشویق آنان به پایداری و استقامت است. در همین رابطه در این سوره داستان « أصحاب اُخدود » را نقل می کند، همانهایی که خندقها کردند و آتشی عظیمی در آن افروختند و مؤمنان را تهدید به شکنجه با آتش کردند، گروهی را زنده در آتش سوزاندند، اما آنها از ایمانشان باز نگشتند. در قسمت دیگری از این سوره کافرانی را که مؤمنان را تحت فشار قرار می دهند، سخت مورد حمله قرار داده و آنها را به عذاب سوزان جهنم تهدید می کند، در حالی که مؤمنان را بشارت به باغهای پر نعمت بهشتی می دهد. در مقطع بعد آنها را به گذشته تاریخ باز می گرداند و داستان فرعون و ثمود و اقوام زورمند را در برابر دیدگانشان مجسم می سازد، تا کفار مکه که نسبت به آنها قدرت ناچیزی داشتند حساب خود را بکنند، و هم مایه تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و سلم و مؤمنان بوده باشد.

و در آخرین مقطع سوره اشاره به عظمت قرآن عظیم الشان و اهمیت فوق العاده این وحی الهی می کند و سوره را با آن پایان می دهد.

فضیلت این سوره:

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم در نماز عشاء سوره « بروج » و **السَّمَاءِ وَالطَّارِقِ** را می خواندند.

شایان ذکر است که هدف از نزول این سوره، دلجوئی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و یاران و پیروانشان در برابر ایذاء کفار است؛ با بیان این حقیقت که کافران امتهای پیشین نیز مانند مردم مکه در برابر دعوتهای الهی ستیزه گر و در

تکذیب حق با هم یکسان بوده‌اند، مانند اصحاب اخدود در یمن، فرعون، قوم ثمود و دیگران؛ اما خدای عزوجل از آنان انتقام گرفت زیرا آنان در قبضه قدرت وی قرار داشتند پس همین‌گونه از منکران عنود و ستیزه‌گر با دین اسلام نیز انتقام می‌گیرد چرا که آنان نیز در قبضه قدرت وی قرار دارند.

اسباب نزول:

سبب نزول این سوره که بر محور اصحاب اخدود دور می‌زند، به‌طور موجز این بود: به یکی از شاهان کفار یهودی به‌نام زرعه‌بن‌تبان اسعد حمیری معروف به ذونواس خبر رسید که بعضی از رعایایش به دین نصرانیت ایمان آورده‌اند پس با لشکریانی از قبیله حمیر به سراغ ایشان رفت و چون ایشان را دستگیر کرد، میان این‌که یهودی شوند یا در آتش سوزانده شوند، مخیرشان نمود اما آن مؤمنان آتش را برگزیدند. سپس گودالهائی برکنند و در آنها آتش افروخت آن‌گاه به ایشان گفت: هر کس از شما که از دین خویش برگردد، او را رها می‌کنیم و هر کس که برنگردد، او را در این آتش می‌افکنیم. آن مؤمنان شکیبائی و پایداری ورزیدند و سرانجام ایشان را در آتش افکندند در حالی که آن پادشاه ستمگر با یاران خود نظاره‌گر این صحنه‌ها بود. نقل است که: دوازده، یا بیست، یا هفتاد هزار تن از آن مؤمنان به قتل رسیدند. گفتنی است که ذونواس آخرین پادشاه حمیری و به قول ابن‌کثیر مشرک بود.

ترجمه موجز:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«وَالسَّمَاءَ دَاتِ الْبُرُوجِ» (۱) (قسم به آسمان که دارای برج‌هاست).

«وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ» (۲) (و قسم به همان روز موعود (= روز قیامت)).

«وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (۳) (و قسم به شاهد (= روز جمعه) و «مشهود» (= روز عرفة).

«فَقَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (۴) (اصحاب اخدود (= خندق داران) به هلاکت (و نابودی) رسیدند).

«النَّارِ دَاتِ الْوُقُودِ» (۵) (خندق‌های پر از آتش و دارای هیزم فراوان).

«إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ» (۶) (هنگامی‌که بر (کناره) آن نشسته بودند).

«وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ» (۷) (و آنان آنچه را با مؤمنان انجام می‌دادند تماشا می‌کردند).

«وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (۸) (و هیچ ایرادی از آنان نگرفتند، جز این که به الله پیروزمند ستوده ایمان آورده بودند).

«الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (۹) (خدائی که سلطنت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و خداوند بر همه چیز شاهد و ناظر است).

«إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (۱۰) (بدون شک کسانی‌که مردان و زنان مؤمن را شکنجه دادند آن‌گاه توبه نکردند، برای آنان عذاب جهنم باشد و عذاب سوزان آتش را در پیش دارند).

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» (۱۱) (« بی کمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند ، برای آنها باغ های بهشت که تحت آن نهر ها جاری است و این است همان کامیابی بزرگ) .

«إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» (۱۲) (براستی (مجازات و) فرو گرفتن پروردگارت سخت است).
«إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيَعِيدُ» (۱۳) (همانا اوست که (آفرینش را) آغاز می‌کند و دوباره (بعد از مرگ) باز می‌گرداند.)
«وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ» (۱۴) (و او آمرزگارِ دوستدار است).
«ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ» (۱۵) (صاحب عرش با عظمت).
«فَعَالٌ لَمَّا يَرِيْدُ» (۱۶) (هر آنچه بخواهد انجام می‌دهد).
«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ» (۱۷) (آیا خبر لشکرها به تو رسیده است؟!«).
«فِرْعَوْنَ وَتَمُوْدَ» (۱۸) (که (همان) فرعون و ثمود باشند).
«بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ» (۱۹) (حق این است که کافران همواره تکذیب می‌کنند).
«وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» (۲۰) (در حالی که خداوند از پشت سر ایشان را احاطه کرده است).
«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ» (۲۱) (بلکه این قرآن، بزرگوار و عالی‌قدر است).
«فِي لَوْحٍ مَّحْفُوْظٍ» (۲۲) (که در لوح محفوظ (در صفحه محفوظ) (نگاشته شده) است).

تفسیر مختصر :

«وَالسَّمَاءَ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (۱) (قسم به آسمان که دارای برج‌هاست).
و یا قسم به آسمان که دارای منازل است و منازل آفتاب و ماه و ستارگان را که با نظمی کامل در حرکت هستند دربردارد. سیر و حرکت نظام شمسی ، آفتاب ، ماه و ستارگان بر کمال قدرت خداوند و بر کمال رحمت و گستردگی علم و حکمتش دلالت می نماید.
«وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ» (۲) (و به همان روز موعود). قسم به روز موعود که روز قیامت است و خداوند به مردم وعده داده است که آن ها را در آن روز گرد آورَد و همه را یک جا جمع کند . این وعده الهی امکان ندارد که تغییر کند یا خلاف آن عمل شود.
«وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (۳) (و به هر شاهد و هر مشهود) و این شامل هرکس می گردد که به این صفت متصف باشد. یعنی بیننده و آنچه دیده می شود و حاضر و آنچه حاضر شده است. آنچه خداوند برای اثبات آن سوگند خورده مواردی است که این سوگند در بردارد و آن نشانه های بزرگ الهی و فرمان آشکار و رحمت گسترده اش می باشد.
«قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُوْدِ» (۴) (اهل خندق‌ها نابود شدند). گفته شده آنچه بر آن قسم خورده شده فرموده الهی است که می فرماید: «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُوْدِ» اهل خندق ها نابود گردند. اهل خندق ها قومی کافر بودند که گروهی مؤمن با آن ها زندگی می کردند. کافران از مؤمنان خواستند که به دین آن ها بگروند اما مؤمنان از پذیرفتن دین کافران امتناع ورزیدند. آن گاه کافران خندق هائی در زمین حفر و غرض مجازات مؤمنان و سوختن آنان در آن آتش افروختند .
«النَّارِ ذَاتِ الْوُفُوْدِ» (۵) (خندق های پر از آتش و دارای هیزم فراوان).
«إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ» (۶) (هنگامی که بر (کناره) آن نشسته بودند).

«وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ» (۷) (و آنان بر آنچه با مؤمنان می‌کردند حاضر بودند).
«وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (۸) (و از آنان عیب جوئی نکردند مگر بنابر آن که به خدای عزیز و حمید ایمان آوردند).

«الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (۹) (خدائی که سلطنت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و خداوند بر همه چیز شاهد و ناظر است).

«إِنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (۱۰) (بدون شک کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه دادند آن‌گاه توبه نکردند، برای آنان عذب جهنم باشد و عذاب سوزان آتش را در پیش دارند).

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» (۱۱) («بی کمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، برای آنها باغ‌های بهشت که تحت آن نهرها جاری است و این است همان کامیابی بزرگ»).

«إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» (۱۲) (براستی مجازات و) فرو گرفتن پروردگارت سخت است).

«إِنَّهُ هُوَ بَدِيءٌ وَيَعِيدُ» (۱۳) (یقیناً وی همان ذاتیست که آغاز می‌کند و اعاده می‌نماید).

«وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (۱۴) (و او آمرزگار دوستدار است).

مفسرین در اعجاز این آیت متبرکه می‌نویسد: خداوند کلمه «ودود» را با «غفور» یک جا بیان کرده است تا بر این دلالت نماید که گناهکاران هرگاه به سوی خدا برگردند و توبه کنند خداوند گناهانشان را می‌آمرزد و آنان را دوست می‌دارد.

چنین نیست همان طور که برخی به اشتباه می‌گویند «فقط گناهانشان بخشیده می‌شود و دیگر آن‌ها را دوست ندارد». بلکه خداوند از توبه بنده اش بیش تر از مردی شاد می‌شود که شترش را با آب و غذایش در بیابانی گم کرده و ناامید و به انتظار مرگ در زیر سایه درختی دراز کشیده است.

اما ناگهان شتر را بالای سر خود می‌یابد و مهار آن را می‌گیرد و از فرط خوشحالی آن چنان کنترل خود را از دست می‌دهد که می‌گوید: «پروردگارا! تو بنده منی و من خدای تو!» خداوند از توبه بنده اش بیشتر از این مرد خوشحال می‌شود. ستایش و تمجید خدا را سزااست که احسان خیر فراوانی دارد!

«وَأُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ» (۱۵) (صاحب عرش با عظمت).

«فَعَالٌ لَمَّا يَرِيدُ» (۱۶) (هر آنچه بخواهد انجام می‌دهد).

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ» (۱۷) (آیا خبر لشکرها به تو رسیده است؟!).

«فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ» (۱۸) (که همان فرعون و ثمود باشند).

فرعون:

لفظ فرعون (۷۴) بار در قرآن عظیم الشان به خصوص در داستانهای بنی‌اسرائیل و موسی (ع) به چشم می‌خورد، محل زندگی فرعون مصر بوده است، البته در قرآن به اسم فرعون معاصر حضرت موسی علیه السلام تصریح نشده است.

فرعون به صفات مسرف، طاغی، عالی، ذوالاوتاد توصیف گردیده و از سیاستهای شیطانی او با کید فرعون یاد شده است. فرعون در ابتداء ادعای ربوبیت داشت و می‌گفت: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/ ۲۴) (وگفت من

پروردگار برتر شما هستم) سپس به این صفت اکتفا نکرد و پیاپی را فراتر گذاشته و ادعای الوهیت می‌کند: « وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي » (سوره قصص/۳۸) «و فرعون گفت: ای جمعیت اشراف من خدائی جز خودم برای شما سراغ ندارم» فرعون دشمن سرسخت بنی‌اسرائیل بود و اولاد ذکور آنها را می‌کشت و دختران ایشان را برای خدمتکاری زنده می‌گذاشت، (سوره اعراف/۱۴۱).
فرعون عقیده داشت که بنی‌اسرائیل بردگان و خدمتگزاران آنها هستند و بودند. (سوره مؤمنون/۴۷)

حضرت موسی:

خداوند حضرت موسی (ع) را همراه برادرش هارون به سوی فرعون فرستاد تا قوم بنی‌اسرائیل را از چنگال ظالمانه فرعون نجات دهد، (شعراء/۱۶). اما فرعون در مقابله با موسی (ع)، استکبار می‌ورزد: «فَأَسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» (مؤمنون/۴۶). «اما آنها (فرعون و اطرافیان) تکبر کردند و آنها مردمی برتری جوی بودند» و نسبت جنون به موسی (ع) می‌دهد: «قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ» (شعرا/۲۷) «(فرعون) گفت پیامبری که به سوی شما فرستاده شده، مسلماً دیوانه است»

و موسی را ساحر می‌خواند: «إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (شعرا/۳۴). «این ساحری آگاه است» مردم را علیه موسی (ع) تحریک می‌کند و ساحران را برای مقابله با او می‌فرستد (شعرا/۴۹-۳۵). و تصمیم به قتل موسی می‌گیرد (غافر/۲۶).
(که با مداخله مؤمن آل فرعون منصرف می‌شود).

آل فرعون به بلاهائی دچار شدند (سوره اعراف/۱۳۳). اما باز هم دست از استکبار برنداشتند تا سرانجام دستور کوچ بنی‌اسرائیل به موسی (ع) داده می‌شود. (شعرا/۵۲).

سرانجام فرعون:

بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) از مصر خارج می‌شوند و به رود نیل می‌رسند موسی (ع) با معجزه خود رود نیل را می‌شکافد و بنی‌اسرائیل از آن عبور می‌کنند.

فرعون نیز که با نیروی فراوانی به دنبال ایشان بود وارد رود نیل می‌شود، ناگهان رود به هم آمده، فرعونیان را در خود غرق می‌کند. (سوره شعراء/۶۶).

فرعون در آخرین لحظات ایمان می‌آورد ولی چون ایمان او از روی اضطرار بوده پذیرفته نمی‌شود. «قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (یونس/۹۰). «گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند وجود ندارد و من از مسلمین هستم»

جسد فرعون به ساحل می‌آید تا باعث عبرت مردم باشد: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً» (سوره یونس/۹۲).
«ولی امروز بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم تا عبرتی برای آیندگان باش»

اگر داستان مبارزه حضرت موسی علیه السلام به ضد فرعون و دستگاه استبدادی اش مورد مطالعه قرار گیرد، به وضاحت تام در خواهیم یافت: که این مبارزه یکی از نمونه‌های زیبای مبارزه و جهاد واقعی میان حق و باطل است. که در این داستان فرعون از همه مستبدین و مستکبرین تاریخ نمایندگی می‌کند و موسی علیه السلام نقش همه پیام‌آوران عدل و آزادی را به نمایش می‌گذارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

هر دوری فرعونی دارد و در برابرش موسائی، فرعون امت من ابوجهل است.

«بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ» (۱۹) (حق این است که کافران همواره تکذیب می‌کنند).
«وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» (۲۰) (در حالی که خداوند از پشت سر ایشان را احاطه کرده است).
«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ» (۲۱) (بلکه این قرآن، بزرگوار و عالی‌قدر است).

استعمال کردن لفظ مقدس برای قرآن :

در این مورد ممانعتی وجود ندارد که قرآن را با کلمه « مقدس » وصف کرد، زیرا تقدس و تقدیس در اینجا به معنای تطهیر است و قدس در کلام عرب به معنای طهارت است.

از هری رحمة الله گفته: «القدوس ، از اسماء الله : یعنی طاهر و منزّه از عیوب و نقایص». و تقدیس: یعنی، تطهیر، و تقدس یعنی تطهر. (مراجعه فرماید : «لسان العرب (۱۶۸/۶ - ۱۶۹).

ابن جریر طبری رحمة الله گوید: «تقدیس همان تطهیر و تعظیم است، از جمله این قول: «سبوح قدوس» که منظور از سبوح یعنی تنزیه الله تعالی، و منظور از قدوس یعنی طهارت و پاکی و تعظیم برای خداوند. و برای همین به زمین گفته شده: «ارض مقدسه» یعنی زمین پاک..». (تفسیر الطبری" (۱ / ۴۷۵).

با این وجود بهتر و افضل آنست که قرآن را آنگونه وصف کنیم که الله تعالی وصف نموده است، چنان که می فرماید: «الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ» (حجر ۱). یعنی: الر، این آیات کتاب، و قرآن مبین (روشنگر) است. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (حجر ۸۷). یعنی: ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم. «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه ۷۷). یعنی: که آن، قرآن کریمی است. «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ». (بروج ۲۱). یعنی: بلکه قرآن با عظمت است.

در ضمن عبارت "قرآن مقدس" به عنوان لقب و نام در حق قرآن به کار برده نمی شود، زیرا با گفتن این عبارت خود را شبیه نصاری می کنیم که در حق کتاب تحریف شده خود می گویند: «کتاب مقدس» یا «انجیل مقدس». بنابراین اگر کسی بپرسد: آیا قرآن کتاب مقدسی است؟ ما می گوئیم: آری، و بلکه این کتاب از هر کتاب دیگری به تقدس و تطهیر اولاتر و به حق تر است، اما ما عبارت «کتاب مقدس» یا «قرآن مقدس» را در وقت نام بردن کتاب الله، بر آن اطلاق نمی کنیم، چراکه با گفتن آن خود را شبیه نصاری کرده ایم، هر چند که می توان قرآن را با کلمات «مقدس» و «مطهر» توصیف نمود، اما در وقت تسمیه و نام بردن کتاب خدا را آنگونه نام می بریم که خدای متعال نام برده است، مانند: قرآن کریم، قرآن مجید، قرآن مبین، قرآن حکیم.

خلاصه این که:

می توان گفت که: «قرآن کتابی مقدس و مطهر است» یعنی جایز است که قرآن را با صفت تقدس وصف کرد، اما در وقت نام بردن کتاب خدا می گوئیم: «قرآن کریم» یا «قرآن مجید» و ..

«فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (۲۲) (در لوح محفوظ (در صفحه محفوظ)).

قرآن عظیم الشان در لوح محفوظ جای دارد و در آن جا از هر گونه تغییر و دستبرد شیطان ها محفوظ است. و آن لوحی است که خداوند همه چیز را در آن ثبت و ضبط کرده است. و این بر بزرگی و اهمیت مقام والای قرآن دلالت می نماید.

لوح محفوظ:

در مورد لوح محفوظ مفسرین تفاسیر مختلفی نوشته اند ولی باید گفت که کیفیت آن مشخص نیست، فقط می دانیم که الله تعالی هر آنچه را که در کائنات رخ داده یا خواهد داد، در آن نوشته است و حتی قرآن کریم نیز در آن ثبت شده است. و لوحی که از دسترس شیطان محفوظ و مصون می‌باشد.

خداوند متعال می فرماید: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ» بلکه این قرآنی است که معانی و مفاهیم آن بزرگ و زیاد است و خیر و دانش فراوان دارد، «فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» در لوح محفوظ جای دارد و در آن جا از هر گونه تغییر و کاستی و از شیطان ها محفوظ است. و آن لوحی است که خداوند همه چیز را در آن ثبت و ضبط کرده است. و این بر بزرگی و اهمیت مقام والای قرآن دلالت می نماید. (تفسیر سعدی)

بخاری در صحیحش از عمران بن حصین روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ غَيْرُهُ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» «خداوند، وجود داشت و هیچ چیزی غیر از او وجود نداشت و عرش خدا روی آب قرار دارد، او تقدیر همه کائنات را در لوح محفوظ نوشت. و آسمانها و زمین را آفرید». (بخاری (۳۱۹۱)).

سلسله انبیاء از آدم تا پیامبر اسلام:

در قرآن عظیم الشأن فقط از بیست و پنج پیامبر نام برده شده است. ذکر هجده نفر آنها در این فرموده الله تعالی است: «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ * وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ * وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ» (سوره انعام ۸۳-۸۶) یعنی: «و این حجت ماست. آن را به ابراهیم به (ضد) قومش دادیم. هر کس را بخواهیم در مراتب (و منزلت) فرا می بریم، بی گمان پروردگارت کاردان داناست. و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، هر یک (از آنان) را هدایت کردیم و به نوح (نیز) پیش از این راه نمودیم. و از فرزندان او (ابراهیم) داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون (را نیز) هدایت کردیم. و بدینسان به نیکوکاران پاداش می دهیم. و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس (را هدایت کردیم) هر یک (از آنان) از صالحان بودند. و (نیز) اسماعیل و یسع و یونس و لوط (را هدایت کردیم) و هر یک (از آنان) را برجهانیان (روزگارشان) برتری دادیم»

و ذکر بقیه آنها در جاهای دیگر از قرآن آمده است. مانند: هود، صالح، شعیب، آدم، ادریس، ذوالکفل و محمد علیهم الصلاة والسلام: الله تعالی می فرماید: «وَأَلِيَّ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا». (سوره اعراف ۶۵). «و به سوی عاد برادرشان هود را فرستادیم». (سوره اعراف ۷۳). «وَأَلِيَّ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا». (سوره اعراف ۷۳). «و به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم». «وَأَلِيَّ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا». (سوره اعراف ۸۵). «و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم»

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا». (سوره آل عمران ۳۳). «خداوند آدم و نوح را برگزید»

«وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ». (سوره انبیاء ۸۵). «و اسماعیل، ادریس و ذوالکفل همه از صبر کنندگان بودند». می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (سوره فتح ۲۹). «محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و با همدیگر مهربانند».

بنابراین تعداد پیامبرانی که اسامی آنها بر ما انسانها مشخص است به ترتیب زمانی عبارتند از:

آدم، ادریس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحق، یعقوب، یوسف، ایوب، شعیب، موسی، هارون، یونس، داوود، سلیمان، الیاس، الیسع، زکریا، یحیی، عیسی، ذوالکفل و سرور همه آنان محمد علیهم الصلاة والسلام. اما بدون شک تعداد پیامبران از این عدد بیشتر بوده اند، ولی خدای متعال اسم و داستان آنها را برای ما ذکر نکرده است، چنان که می فرماید: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ». (سوره نساء ۱۶۴).

یعنی: و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته‌ایم؛ و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده‌ایم.

و می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (سوره غافر ۷۸).
یعنی: ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم. بعضی از علما فرموده اند که تعداد انبیاء الهی ۱۲۴۰۰۰ یکصد و بیست و چهار هزار نفر هستند.
صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز

اصحاب اخدود

سحر، کهانت، تنجیم و عرفه

سحر

کهانت

عرف

تنجیم

وجه تسمیه این سوره

آشنایی با سوره بروج

فضیلت این سوره

اسباب نزول

ترجمه مؤجز

تفسیر مختصر

استعمال کردن لفظ مقدس برای قرآن

سلسله انبیاء از آدم تا پیامبر اسلام

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »

- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری